

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نجلای زمانی
۱۸ جنوری ۲۰۲۲

ازدواج های اجباری



نجلای زمانی

ازدواج امری مهم و حیاتی است. اما ازدواج اجباری همان طور که از نامش پیداست از جمله پیوندهایی است که با جبر، زور، تهدید، فشار روحی و یا جسمانی با اصرار والدین و بدون رضایت دختر و پسری را که راضی به ازدواج با هم نیستند به عقد یک دیگر درآورند.

این گونه پیوندها از دیرزمانی در فرهنگ بیشتر کشورهای جهان ریشه دوانده است. برخی خانواده ها در جوامعی؛ مثل: افغانستان، پاکستان و هندوستان از کودکی به فرزندان تفهیم می نمایند حق انتخاب همسر ندارند و همسر باید از خانواده (قبیله) خودشان باشد زیرا متیقن هستند همسر آینده با رسوم آن خانواده (قبیله) آشنا بوده و خوشبخت خواهند شد. با این گونه پیوند، دختر و پسر در بند آمل و خواهش های خانواده قرار گرفته، تن به ازدواجی می دهند که دیگران برایشان انتخاب کرده اند و آنها پناهگاهی برای بازگشت ندارند.

همچنان برخی خانواده ها دختران را از زمانی که هنوز به بلوغ فکری نرسیده اند و هیچ تجربه ای از زندگی ندارند به نام کسی نامزد می کنند. وقتی این کودکان بزرگ می شوند، با مشکلات عیدیه ای دست و پنجه نرم می نمایند. اینجاست که خانواده ها خنده های اطفال را به بغضی در گلو و اشک هایی که در آینده خود شاهد آن هستند، تبدیل می کنند.

در ازدواج های اجباری لازم نیست حتما قربانی یک فرد کم سن و سال باشد یا با زور و آزار فیزیکی راهی خانه بخت شود. حتی زمانی که خانواده ها با بی توجهی شان فرزندان را از لحاظ روحی تحت فشار قرار می دهند و به حقوق ابتدائی شان توجه نمی کنند، باز هم ازدواج اجباری است؛ به طور مثال: خانواده به صورت غیر مستقیم مدام به فرزند گوشزد می کند زمان

ازدواجش رسیده و به او می فهمانند که پذیرای وی در خانه نمی باشند. در نهایت این رفتارها و حرکات باعث می شود فرزند خود را به ازدواج با کسی که قلباً نمی خواهد، مجبور سازد. حتا بسیاری از تحصیلکرده ها با شخصی که قلباً دوست ندارند مجبور به ازدواج می شوند. پیروی از رسم و رواج های غلط و ناپسند حاکم بر خانواده ها باعث شده برخی خانواده ها بعد از مرگ شوهر، خانم را بدون رضایتش به عقد نکاح برادر شوهر در آورند.

باید گفت این پیوندها نامناسب و پرمخاطره بوده، عواقب بسا ناگواری را از لحاظ روحی در زندگی آینده برای زوجین به وجود می آورد و آنها هیچ میل و رغبتی به این گونه زندگی ندارند. بعد از ازدواج هم نه تنها محبتی در دل دختر و پسر به وجود نمی آید؛ بلکه اغلب رابطه میان همسران به تنفر و سردی می گراید و این دختران و زنان هستند که بیشتر تحت تأثیر قرار می گیرند و قربانی خواسته ها و آرزوهای خانواده می شوند و در مواردی دست به فرار از خانه، خودسوزی و خودکشی زده اند و این پایان ناخوش یک پیوند اجباری است.

پائین بودن سطح دانش، فقر اقتصادی، نشان کردن یک فرد خاص برای ازدواج با فرزند، بالا رفتن سن ازدواج، ازدواج های مصلحتی، رسم و رواج های ناپسند و عدم آگاهی از عواقب و پیامدهای ناگوار این پیوندها، اعتقاد به برخی خرافات رایج میان عوام که علاقه بعد از ازدواج به وجود می آید، از عوامل بنیادی ازدواج های اجباری است.

اگرچه در جامعه ما در سال های اخیر تصویب قانون منع خشونت بر زنان، تشریح کنوانسیون ها و معاهدات جهانی حمایت از زنان در برنامه های آموزشی و آگاهی دهی بارقه های امید را برای دختران و زنان افغان روشن کرد؛ اما هنوز هم در قریه ها، روستاها و مناطقی که حکومت و نهادهای قضائی کمتر به آن دسترسی دارند، جنگسالاران و زورمندان با استفاده از زور، قدرت و نفوذشان اغلب والدین را مجبور کرده اند تا دختران کم سن و سال شان را به عقد نکاح در آورند. بدیهی است وادار ساختن دختران و زنان به ازدواج همانا نادیده گرفتن کرامت انسانی آنان است. زیرا خداوند انسان را آزاد آفرید، به او حق داد با شناخت کامل، تحقیق و جست و جو بتواند شریک زندگی اش را انتخاب کند. همچنان یکی از شروط عقد ازدواج رضایت طرفین است نه زور و اجبار.

از آنجائی که زندگی در جامعه مدنی نیازمند آگاهی و اطلاع رسانی از حقوق انسانی است. بنابراین باید به خانواده ها و شاگردان مکاتب در رابطه به ازدواج های اجباری و آثار شوم این گونه پیوندها بر زندگی آتی زوجین از طریق روانشناسان مسلکی، رسانه ها، مسئولان مکاتب و ملامامان مساجد آگاهی های لازم (قبلاً هم تا حدی تلاش ها صورت گرفته اما کافی نبوده) بیشتر داده شود تا کم کم از عنعنات و فرهنگ های ناپسند حاکم بر خانواده ها و جامعه ما کاسته شود.